



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

رسالت اساسی دانشگاه تربیت انسان دانشگاهی و هویت دانشگاهی مولد و فرهیخته در افرادی است که پیشاهنگان علم و فرهنگ هستند. منظور از انسان دانشگاهی کسی است که بتواند ارزش‌ها، باورها و هنجارها یا به بیان دقیق‌تر و کامل‌تر، فرهنگ دانشگاهی را در خود درونی سازد و هویت دانشگاهی را به مانند هویتی مستقل و متمایز از هویت‌های دیگر بیابد و بتواند شیوه زندگی دانشگاهی را در دوران تحصیل و حضورش در جامعه علمی و دانشگاهی بیاموزد و چنان بر آن تمرین کند که آن شیوه زیستن، شیوه مسلط بر زندگی، عواطف، احساسات و شخصیت او شود. انسان دانشگاهی باید روحیه نقدکردن و نقدپذیری را داشته باشد و تفکر انتقادی را به مانند شیوه‌ای از زیستن بیاموزد تا بتواند تفکری مولد داشته باشد. تربیت انسان دانشگاهی در فرایند جامعه‌پذیری دانشگاهی صورت می‌پذیرد. صاحب‌نظران اعتقاد دارند که جامعه‌پذیری دانشگاهی بیشتر از یادگیری نظریه‌ها و روش‌های موجود در آن حوزه به کسب صلاحیت فرهنگی و دانش ضمنی دلالت دارد و تا حدود زیادی به یادگیری سازگاری با هنجارهای متعارض و درک فهمی از ماهیت رشته و ایجاد ارتباط بین رشته‌های نزدیک مربوط می‌شود (مهدیه و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۶). در عصر حاضر، که تحولات اجتماعی و فرهنگی به سرعت در حال تغییر است، دانشگاه‌ها به عنوان نهادهای کلیدی در فرآیند اجتماعی‌سازی و تربیت نسل‌های آینده اهمیت ویژه‌ای یافته‌اند. دانشگاه فرهنگیان، به‌عنوان یکی از نهادهای آموزشی مسئول تربیت معلمان، با چالش‌های متعددی در زمینه جامعه‌پذیری دانشجویان خود روبروست. دو متغیر برجسته‌ای که می‌تواند بر کیفیت این فرآیند تأثیرگذار باشند، سرمایه اجتماعی و روان‌شناسی هستند.

یکی از مهمترین مسائل در دانشگاه‌ها وجود حلقه گمشده فرآیند نوآوری، تولید و ترویج علم و ایجاد روحیه علمی و جامعه‌پذیری دانشجویان است. در فرآیند جامعه‌پذیری علمی، فرد دانشگاهی می‌آموزد که چگونه ارزش‌ها، هنجارها، مهارت‌ها و دانش لازم را برای عضو شدن در جامعه علمی بدست بیاورد و پایبند به سیستم کدبندی خاص جامعه علمی از نظر رفتاری و اخلاقی باشد (نظرمنصوری و همکاران، ۱۳۹۵: ۱).

گوپال با استفاده از نظریه بورديو آموزش دکتری را زمینه‌ای در نظر می‌گیرد که افرادی جایگاه‌های مختلفی را برای رقابت برای بدست آوردن اشکال خاصی از سرمایه در اختیار گرفته‌اند. حضور در همایش‌ها و کنفرانس‌ها، استفاده از پژوهانه‌ها و نشر یافته‌های دانشگاهی مواردی از سرمایه دانشگاهی هستند (گوپال، ۲۰۱۱: ۸۳). بررسی‌های اولیه نشان از کاستی‌های زیادی در فرایند جامعه‌پذیری دانشگاهی و تشکیل هویت علمی در سیستم آموزش عالی کشور است. ناکارآمدی نظام دانشگاهی در ایجاد و پرورش هنجارها و تبلور آن در رفتار و گفتار دانشگاهیان، مشکل در کار تیمی، نبود بی‌انگیزی در سخت کوشی، ناکارآمدی برنامه‌های درسی، مشارکت کم دانشجویان در همایش‌ها و سمینارها، ضعف روحیه تحقیق، تعامل ضعیف علمی دانشجو و استاد، ضعف تفکر انتقادی و روحیه انتقادپذیری در جامعه دانشگاهی و تمایل به تبعیت از خلاف هنجارهای علمی از مواردی هستند که در پژوهش‌های مختلف ذکر گردیده‌اند. همچنین گسترش بی‌رویه و بدون برنامه آموزش عالی سال‌های اخیر و چرخش از «آموزش به منزله سرمایه‌گذاری» به «آموزش به منزله مصرف» یا به تعبیر ریتزر «مکدونالیزه شدن دانشگاه» باعث ناکارآمدی هرچه بیشتر نظام آموزش عالی در جامعه‌پذیری دانشگاهی شده است و نتایج نامناسب دیگری مانند اخلال در هویت دانشگاهی، بی‌انگیزی، مدرک‌گرایی، بیکاری فارغ‌التحصیلان و رخوت حیات دانشگاهی را به دنبال داشته است (مهدیه و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۸). بنابراین، پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به سوالات زیر می‌باشد.

- آیا بین سرمایه اجتماعی و جامعه‌پذیری دانشگاهی در بین دانشجومعلمان دانشگاه فرهنگیان رابطه وجود دارد؟
- آیا بین سرمایه روان‌شناختی و جامعه‌پذیری دانشگاهی در بین دانشجومعلمان دانشگاه فرهنگیان رابطه وجود دارد؟

ادبیات پژوهش

استفاده از اصطلاح جامعه‌پذیری در معنای جدید آن از اواخر دهه ۱۹۳۰ و اوایل دهه ۱۹۴۰ آغاز شد. جامعه‌پذیری پدیدآورده نگرش‌ها، ارزش‌ها و شایستگی‌های تازه‌ای است که موجب پدید آمدن انگاره ذهنی شخصی و رفتارهای تازه‌ای می‌شود که برای ایفای نقش‌های تازه فرد، مفید هستند (شائمی برزکی و اصغری، ۱۳۸۹: ۱۱). عنصر مرکزی برای فهم تجربه دانشجویان در محیط دانشگاهی، مفهوم جامعه‌پذیری به عنوان فرآیندی است که افراد، ارزش‌ها، هنجارها، دانش و مهارت‌های مورد نیاز برای زندگی در اجتماع را از طریق آن بدست آورده و بدین ترتیب به عنوان عضوی از یک گروه، سازمان یا جامعه می‌شوند (منصوری و همکاران، ۱۳۹۶: ۳). جامعه‌پذیری عبارت است از مجموعه‌ای از سازوکارها که به واسطه آنها افراد مهارت روابط اجتماعی در میان انسان‌ها را می‌آموزند و هنجارها، ارزش‌ها و باورهای جامعه یا اجتماع را جذب می‌کنند. هنجارها، بیانگر قواعد و رسومی هستند که به لحاظ اجتماعی تجویز شده‌اند و کردارهای یک اجتماع یا یک گروه خاص را مشخص می‌کنند که از جمله می‌توان به زبان، قواعد نزاکت، رفتارهای جسمانی و غیره اشاره کرد. به نظر بورديو، جامعه‌پذیری از طریق شکل‌گیری عادت‌واره مشخص می‌شود. عادت‌واره نظامی از خصلت‌های پایدار است که فرد در جریان فرآیند جامعه‌پذیری به دست آورده است. خصلت‌ها عبارت‌اند از نگرش‌ها، تمایلات ادراکی، احساسات، کردارها و اندیشه‌هایی که افراد به علت شرایط عینی وجودی‌شان درونی کرده‌اند و از این‌رو، به صورت اصول ناآگاهانه کنش، ادراک و بازاندیشی عمل می‌کنند. یکی از سازوکارهای اصلی جامعه‌پذیری، درونی‌سازی می‌باشد که از طریق آن اعمال و ارزش‌های کسب شده، طبیعی و تاحدودی فطری به نظر می‌آیند و درونی‌سازی رفتار را ممکن می‌سازد، بدون آن که ما ناگزیر به یادآوری آشکار قواعدی باشیم که باید برای انجام کنش رعایت کنیم (بون ویتز، ۲۰۰۵: ۹۰). فرآیندهای جامعه‌پذیری، ارزش‌ها، هنجارها و باورهای فرهنگی را به افراد جدیدالورود انتقال می‌دهند. در فرآیند جامعه‌پذیری علمی، افراد دانش‌ها، بینش‌ها، ارزش‌ها، باورها و شاخص‌های فرهنگی مربوط به محیط علمی را از طریق تعاملاتی با نهادهای رسمی و غیررسمی بدست آورده و جزئی از شخصیت آن‌ها می‌شود (قانع‌راد و ابراهیم‌آبادی، ۱۳۸۹).

بر اساس تعریف بورديو، سرمایه اجتماعی مجموعه منابع واقعی یا مجازی‌ای است که به واسطه مزیت پایدار شبکه‌ها و روابط سازمانی مستحکم و شناخت و آگاهی‌های متقابل، به افراد یا گروه‌ها. به بیان دیگر، سرمایه اجتماعی برای بورديو آن بستر فرهنگی ناشی از ساخت اجتماعی است که در ارتباط مستقیم با عادات افراد و میدان فرهنگی ناشی از کنش‌های اجتماعی، سازمان یافته و صورت‌بندی می‌شود. از نظر بورديو، سرمایه اجتماعی در سیستم‌های سرمایه‌داری، به عنوان ابزاری برای تقویت و تثبیت جایگاه اقتصادی افراد به شمار می‌رود. در این سیستم‌ها، سرمایه تعلق می‌گیرد. از نظر بورديو، سرمایه اجتماعی عبارت است از مجموع منابع فیزیکی یا غیرفیزیکی در دسترس فرد یا گروهی که دارای شبکه نسبتاً بادوامی از ارتباطات نهادینه شده هستند اقتصادی پایه است و سرمایه اجتماعی و فرهنگی ابزاری برای تحقق آن محسوب می‌شود. بر این اساس، اگر سرمایه اجتماعی نتواند موجب رشد سرمایه اقتصادی شود، کاربردی نخواهد داشت (عباس‌زاده و مقتدایی، ۱۳۸۸: ۸). بورديو از سرمایه اجتماعی برای تبیین تعلیم و تربیت استفاده کرد و آن را سرمایه فرهنگی نامید. مشارکت در فرآیند تعلیم و تربیت بواسطه ایجاد شبکه‌های اجتماعی به شکل‌گیری و تقویت سرمایه اجتماعی ختم می‌شود. به همین سیاق، تعامل دائمی اولیاء دانش‌آموزان با امور آموزشی آنها در مدارس، الگویی مطلوب از مشارکت‌های مدنی است و مدرسه از این طریق ضمن فراهم آوردن محیط لازم برای تبادل نظر دانش‌آموزان و اولیاء، چگونگی حضور مسئولانه دانش‌آموزان در جامعه را به آنها آموزش می‌دهد. بنابراین می‌توان چنین گفت سرمایه اجتماعی افراد، از حضور و استمرار حضورشان در این شبکه روابط حاصل می‌آید و در صورتی که افراد به نحوی از این شبکه روابط خارج شده یا به حاشیه رانده شوند، از مزایای مادی و معنوی این ارتباطات محروم می‌شوند (فاتحی و اخلاصی، ۱۳۹۱: ۱۵۶).

وجود فرآیندهای جامعه‌پذیری در جوامع علمی از شرایط ضروری برای ادغام افراد در اجتماعات و مشارکت اجتماعی است. آموزش عالی نوعی جامعه‌پذیری جدید برای دانشجویان می‌باشد و کارکرد اجتماعی کردن در نظام آموزشی عالی از

اهمیت زیادی برخوردار است. از دیدگاه جامعه‌شناختی ورود جوانان دانشجو به محیط دانشگاه به معنای عضویت در یک اجتماع علمی- فرهنگی با مناسبات، روابط، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای خاص خود است. جوانان با ورود به این محیط دارای ساختار اجتماعی - یا مناسبات و روابط بین دانشجویان از یک سو و دانشجویان و اساتید از سوی دیگر- و فضای فرهنگی ویژه خود، با فرآیند جامعه‌پذیری روبه‌رو می‌شوند و با فرض موثر بودن این فرآیندها به درونی‌سازی ارزش‌ها و هنجارهای شناختی و اجتماعی می‌پردازند. اجتماعی شدن دانشگاهی، فرآیندی است که طی آن جوانان تازه وارد را به دانشجویانی آگاه و آشنا با هنجارهای شناختی و اجتماعی و الگوهای رفتاری مورد انتظار تبدیل می‌کند. «فرآیندهای جامعه‌پذیری، باورها، ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی را به تازه واردان منتقل می‌کنند. رابطه جوان با محتوا از طریق تعامل با کارگزاران جامعه‌پذیری افرادی پرورش می‌یابند که نسبت به ارزش‌ها، نظریات و فنون ویژه علم مقید است. بدین ترتیب در دنیای دانش، جامعه و فرهنگ یا اجتماع علمی و الگوهای شناختی از یکدیگر تفکیک ناپذیرند. فرآیندهای جامعه‌پذیری پیوستگی بین تعاملات اجتماعی و تکوین یا انتقال محتوای شناختی را برقرار می‌کنند». (قانع‌راد و ابراهیم‌آبادی، ۱۳۸۹).

یکی دیگر از متغیرهای تاثیرگذار در جامعه‌پذیری دانشگاهی، سرمایه روان‌شناختی است. اندیشمندان رویکرد روان‌شناختی، جامعه‌پذیری را به معنی فرایند یادگیری در انسان می‌دانند و آن را فرآیندی غیرعقلانی و بازتابی عنوان می‌کنند. به باور این اندیشمندان، سرمایه روان‌شناختی دارای توانایی بالقوه‌ای برای تسهیل فرآیند جامعه‌پذیری است؛ چرا که افراد مثبت‌گرا دارای سرمایه روان‌شناختی به تغییر با دید مثبتی می‌نگرند و آن را یک مانع نمی‌دانند، بلکه به عنوان یک چالش با آن برخورد می‌کنند. این افراد به دلیل امید و خودکارآمدی که دارند، هرگز در برابر ناملایمات تسلیم نمی‌شوند، اینان از تجربیات گذشته خود کمک می‌گیرند و مسیر جامعه‌پذیری و پذیرفتن تغییر را سریع‌تر و با تجربه بیشتر طی می‌کنند و بعد از برخورد با مانعی سریعاً بر خود مسلط شده و کمتر وقت و انرژی خود را هدر می‌دهد (دعایی و فرزانه حسن‌زاده، ۱۳۹۱: ۶۰). برخلاف روان‌شناسان که تلاش می‌کنند تا اجتماعی شدن و یادگیری فرد را بیشتر در تحت تاثیر عوامل درونی و روانی بدانند، جامعه‌شناسان، یادگیری و اجتماعی شدن فرد را فرآیندی جمعی و ناشی از اهداف، علایق و تاثیرات زندگی جمعی می‌دانند (زین‌آبادی، ۱۳۸۶: ۱۹۱). صاحب‌نظران این دیدگاه، جامعه‌پذیری را نوعی فرآیند کنش متقابل تعریف می‌کنند که در خلال آن، فرد عناصر اجتماعی و فرهنگی محیط خود را فرامی‌گیرد و تحت تاثیر تجارب و متغیرهای اجتماعی، آن را با شخصیت خود یگانه می‌سازد. تاکید این تعریف بر نقش کنش متقابل است که در آن آگاهی و اراده فرد برجسته می‌نماید (عباس‌زاده و میرزایی، ۱۳۹۴: ۹۵).

پیشینه تجربی تحقیق

در تحقیقی با عنوان تحلیل آسیب‌شناسانه از جامعه‌پذیری دانشگاهی دانشجویان دکتری که توسط خوشنام (۱۴۰۱) با رویکرد کیفی و مشارکت ۳۰ نفر دانشجوی دکتری و ۵ نفر مدیر و برنامه‌ریز دانشگاه انجام گرفته، این نتایج بدست آمده که ضعف فرهنگ انتقادپذیری در جامعه دانشگاهی، همبستگی اجتماعی ضعیف برای ایجاد اجتماعات علمی، درونی نشدن اخلاقیات دانشگاهی، محدود بودن ارتباط صنعت و بازار با دانشگاه، کمبود همکاری بین گروهی و بین دانشگاهی و دیدگاه ضعیف دانشجویان به مرجعیت علمی استادان از جمله ادراکات دانشجویان است. در این تحقیق جامعه‌پذیری کارآمد و موفق دانشجویان از ضروریات تحقق نسل چهارم دانشگاه می‌باشد.

نظر منصوری و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان تحلیلی بر عوامل موثر بر جامعه‌پذیری دانشگاهی دانشجویان که با رویکرد کمی و تکنیک پیمایش در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های تهران، تربیت مدرس، شهید بهشتی، شیراز و فردوسی انجام داده‌اند به این نتیجه رسیدند که وضعیت کلی جامعه‌پذیری دانشگاهی دانشجویان تحصیلات تکمیلی ۵ دانشگاه مورد بررسی در ابعاد چهارگانه فراگیری نقش دانشجو، درگیری در نقش، مشارکت، سرمایه‌گذاری و احساس هویت حرفه‌ای در سطح متوسط قرار دارد. براساس یافته‌های این پژوهش، سرمایه دانشگاهی و خوداثربخشی دانشگاهی بیشترین تاثیر را بر جامعه‌پذیری دانشگاهی دانشجویان داشته است.

رشتیانی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان رابطه جامعه‌پذیری دانشگاهی و مشارکت اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه تهران به تعداد ۳۸۲ نفر که با روش توصیفی و تکنیک پیمایش انجام داده است به این نتیجه رسیدند که اصول و ارزش‌های اخلاقی، سن، طبقه اقتصادی و اجتماعی، موفقیت علمی و تعاملات و ارتباطات بر میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان تاثیرگذار می‌باشد.

فرهادی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان پیش بینی ابعاد درگیری تحصیلی براساس مولفه‌های سرمایه روان‌شناختی دانشجویان با استفاده از روش همبستگی در بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی لرستان به این نتیجه رسیدند که خودکارآمدی، امیدواری و خوش‌بینی می‌تواند ابعاد درگیری شناختی دانشجویان را تبیین کند ولی هیچ یک از مولفه‌های سرمایه روان‌شناختی با درگیری رفتاری دانشجویان رابطه ندارد.

در پژوهشی با عنوان سرمایه اجتماعی و عملکرد پژوهشی دانشگاهی مارتین آلکازار^۱ و همکاران (۲۰۱۹) به این نتیجه رسیدند که آگاهی از چگونگی ایجاد سرمایه اجتماعی اعضای گروه پژوهشی برای جامعه دانشگاهی اهمیت فزاینده‌ای دارد. سطوح بالاتر سرمایه اجتماعی می‌تواند منجر به افزایش تعداد مقالات و ارتقای کیفیت این نشریات توسط محققین شود. آگاهی بیشتر از نقش ابعاد مختلف تعاملات اجتماعی در ایجاد سرمایه اجتماعی درونی و بیرونی می‌تواند به ارتقای سرمایه اجتماعی گروه‌های پژوهشی کمک کند.

بهار هورینستین^۲ و همکاران (۲۰۱۶) پژوهشی با عنوان ارتقای جامعه‌پذیری دانشگاهی بواسطه خدمات تجارب یادگیری با رویکرد کیفی و روایت پژوهی انجام دادند. فهم دانشجویان از مزایای کار بر روی ژورنال در ۵ مضمون طبقه‌بندی شده است: تقویت کار دانشگاهی، تجربه کار دانشگاهی، نقش‌های دانشگاهی، نوشتن برای انتشار و درگیری با اولویت‌ها و ترجیحات المرشدی^۳ (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان بررسی جامعه‌پذیری دانشجویان متعلق به اقوام و نژادهای گوناگون در مقایسه با دانشجویان بومی در دانشگاه‌های آمریکا پرداخته است. یافته‌های این پژوهش نشان داد جامعه‌پذیری دانشگاهی تحت تاثیر متغیرها و شرایط متعددی نظیر ۱. دسترسی به اطلاعات؛ ۲. روابط تخصصی و علمی، ۳. جامعه‌پذیری کلاسی، ۴. جامعه‌پذیری مبتنی بر زبان و ۵. جنسیت قرار دارد.

هویت دانشگاهی به مثابه تعدیل کننده روابط بین جامعه‌پذیری والدین و موفقیت دانشگاهی عنوان پژوهشی است که توسط استراملر^۴ و همکاران (۲۰۱۳) انجام شده است. این پژوهش به دنبال بررسی این است که آیا هویت دانشگاهی یا سرمایه‌گذاری عاطفی و روان‌شناختی در دانشگاه‌ها روابط بین جامعه‌پذیری آموزشی و نمرات آزمون استاندارد پیشرفت تحصیلی را در بین ۳۶۷ دانشجویان مدارس متوسطه شهری تعدیل می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان داد که آموزش و جامعه‌پذیری آتی با موفقیت دانشجویان ارتباط معکوس دارد. اما وقتی که با هویت دانشگاهی تعدیل می‌شود؛ اثر آن مثبت می‌شود.

سلونی^۵ (۲۰۱۲) در پژوهشی به گفتمان جامعه‌پذیری دانشگاهی سال‌های اولیه دانشجویان دکتری در آمریکا؛ یک رویکرد خرد قوم‌نگاری پرداختند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که جامعه‌پذیری به شیوهی گفتمان دانشگاهی یک فرآیند پیچیده و چندلایه است که دانشجویان به صورت مشترک با ایجاد معنا و گفتگوهای تعاملی در خارج از کلاس به منظور یادگیری نحوه‌ی تبدیل شدن مشارکت مشروع در رشته‌ی تحصیلی خود بر ساخت می‌کنند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که جامعه‌پذیری دانشگاهی در سال‌های اولیه دکتری در فضاهای چندگانه رخ می‌دهد. در شکل‌های تماس اولیه و فضاهای علمی دانشگاهی و در درون فرهنگ همکاری دانشگاهی. این فضاهای جامعه‌پذیری برای دانشجویان خانه امن را ایجاد می‌کند و آنها را برای به چالش کشیدن شیوه دانشگاهی توانمند می‌کند تا اینکه در رشته خود به مشارکت کننده بازتابنده مبدل شوند.

1. Martin-Alcazar
2. Behar Horenstein
3. Al Murshidi
4. Strambler
5. Seloni

روش‌شناسی

روش پژوهش حاضر از نوع توصیفی - تحلیلی است که با رویکرد کمی و به صورت پیمایشی انجام می‌شود. و برحسب نوع اجرا، در طبقه پژوهش‌های کاربردی قرار می‌گیرد برای اینکه پژوهشگر سعی دارد تا متغیرها را به صورت تجربی بسنجد. به لحاظ زمانی، در زمره تحقیقات مقطعی می‌باشد که در یک برهه زمانی خاصی صورت می‌گیرد. تحقیق حاضر از نوع پیمایشی^۱ است چرا که داده‌ها با استفاده از پرسشنامه‌های استاندارد و محقق ساخته جمع‌آوری می‌شوند. همچنین، می‌توان گفت این پژوهش از نوع مطالعات همبستگی است که در صدد هست که با شناسایی متغیرهای پیش بین، نقش آنها را در تبیین واریانس متغیر ملاک (جامعه‌پذیری دانشگاهی) مورد بررسی قرار دهد. تمامی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان استان آذربایجان شرقی جامعه آماری این پژوهش را تشکیل می‌دهند که حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران برابر ۳۶۰ نفر و شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب برآورد شده است. جامعه آماری مورد مطالعه تمامی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان استان آذربایجان شرقی به تعداد ۳۹۹۰ نفر (۶۰ درصد پسر و ۴۰ درصد دختر) است. شیوه نمونه‌گیری در این تحقیق نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب می‌باشد. انتخاب این شیوه نمونه‌گیری نخست به این دلیل است که پژوهشگر به لیست جامعه آماری پژوهش حاضر دسترسی دارد. ثانیاً جامعه آماری مورد مطالعه هم یک جامعه ناهمگن می‌باشد. به همین دلیل نمونه پژوهش باید به طبقاتی که از نظر صفت متغیر همگن هستند، طبقه‌بندی شود. واحد تحلیل در این پژوهش، دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه فرهنگیان استان آذربایجان شرقی می‌باشد. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های استاندارد و محقق ساخته استفاده شده است. در پژوهش حاضر، برای حصول اطمینان از پایایی ابزار سنجش، از ضریب آلفای کرونباخ، سازگاری درونی گویه‌ها استفاده شد. ضرایب پایایی متغیرهای جامعه‌پذیری دانشگاهی (۰/۷۰۲)، سرمایه اجتماعی (۰/۷۳۴) و سرمایه روان‌شناختی (۰/۷۳۴) است که نشان دهنده سازگاری درونی گویه‌ها می‌باشد.

جدول شماره ۱: ضرایب پایایی متغیرهای تحقیق

متغیرهای پژوهش	تعداد گویه	ضرایب پایایی
جامعه‌پذیری دانشگاهی	۱۸	۰/۷۰۲
سرمایه اجتماعی	۲۰	۰/۷۳۴
سرمایه روان‌شناختی	۲۳	۰/۷۳۴

تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

جامعه‌پذیری دانشگاهی: جان سی ویدمن بر این باور است که جامعه‌پذیری در برنامه‌ها، فرآیندی غیرخطی است که در طول آن هویت و تعهد بواسطه تجربه‌ها به دو شکل رسمی و غیررسمی گسترش می‌یابد. جامعه‌پذیری به مثابه فرآیندی ناآگاهانه است که به وسیله آن افراد استانداردها و هنجارهای رفتاری را درونی می‌کنند و به احساس هویت و تعهد برای رشته حرفه‌ای شکل می‌دهند، در نظر گرفته می‌شود (وایدمن، ۲۰۰۱: ۲۰). برای اندازه‌گیری این متغیر از پرسشنامه جامعه‌پذیری دانشگاهی که در رساله دکتری علی بوداقتی اجرا شده، استفاده شده است.

سرمایه اجتماعی: پاتنام در تعریف سرمایه اجتماعی می‌نویسد: «اعتماد، هنجارها و شبکه‌هایی که همکاری و تعاون را برای نیل به منافع متقابل آسان می‌سازند» (پاتنام، ۱۳۸۰). شبکه‌ای از روابط و پیوندهای مبتنی بر اعتماد اجتماعی بین فردی و بین گروهی و تعاملات افراد با گروه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی است که قرین همبستگی و انسجام اجتماعی و برخورداری افراد و گروه‌ها از حمایت اجتماعی و انرژی لازم برای تسهیل کنش‌ها در جهت تحقق اهداف فردی و جمعی منجر می‌باشد (موسوی؛ ۱۳۸۵). برای اندازه‌گیری این سرمایه اجتماعی از پرسشنامه سرمایه اجتماعی درون گروهی و

برون گروهی که رفیعی، قاسم‌زاده و موسوی (۱۳۹۴) با ترکیب چند پرسشنامه این ابزار را برای سنجش سرمایه اجتماعی ساخته‌اند، استفاده شده است. این پرسشنامه دارای ۲۱ گویه در طیف لیکرت می‌باشد. این پرسشنامه ۵ بعد هم‌دلی و تعلق، سبک زندگی متفاوت، علایق متفاوت، اعتماد و همکاری و مشارکت می‌باشد.

سرمایه روان‌شناختی: عبارت است از: ۱) تلاش برای دستیابی به موقعیت‌های چالش برانگیز و احساس اعتماد به نفس برای به عهده گرفتن این موقعیت (خودکارآمدی)، ۲) نگرش مثبت نسبت به موفقیت در حال و آینده (خوش‌بینی)، ۳- تلاش برای رسیدن به هدف و توانایی دستیابی به هدف (امید)، ۴- نگرش قوی که دستیابی به موفقیت را تسهیل می‌کند زمانی که با مسایل و مشکلات مواجه می‌شوند (تحمل) (آکبابا و آلتین داق^۱، ۲۰۱۶: ۲۰۳). برای اندازه‌گیری این متغیر از پرسشنامه استاندارد سرمایه روان‌شناختی لوتانز (۲۰۰۷) استفاده شده است. این پرسشنامه ۴ مولفه امیدواری، تاب‌آوری، خوش‌بینی و خودکارآمدی دارد که براساس طیف لیکرت تنظیم شده است.

یافته‌های پژوهش

از مجموع ۳۶۰ نفر، ۱۴۷ نفر دانشجوی دختر و ۲۱۳ نفر دانشجوی پسر می‌باشند. به عبارتی ۴۰/۸ افراد نمونه آماری دانشجوی دختر و ۵۹/۲ درصد افراد نمونه آماری دانشجوی پسر بودند. از ۳۶۰ نفر نمونه آماری، ۲۳۲ نفر مجرد و ۱۲۸ نفر متاهل بودند. به عبارتی ۶۴/۴ درصد مجرد و ۳۵/۶ درصد متاهل بودند. با توجه به یافته تحقیق، تعداد مجردین بیشتر از متاهلین بوده است. از کل نمونه آماری، ۵۳/۱ درصد پاسخگویان محل تولد خود را روستا و ۴۰ درصد شهر و نزدیک به ۷ درصد هم عشایر اعلام کرده‌اند. بنابراین، براساس نتایج توصیفی پژوهش، محل تولد اکثر پاسخگویان روستا بوده است.

جدول شماره ۲: نتایج رابطه بین سرمایه اجتماعی و جامعه‌پذیری دانشگاهی

روابط	سطح معنی‌داری	ضریب همبستگی	تعداد مشاهدات
رابطه بین سرمایه اجتماعی و جامعه‌پذیری دانشگاهی	۰/۰۰۰	۰/۲۳۹	۳۶۰

برای آزمون رابطه بین سرمایه اجتماعی و جامعه‌پذیری دانشگاهی از آزمون پیرسون استفاده شده است. با توجه به سطح معناداری بدست آمده از تحلیل داده‌ها که برابر ۰/۰۰۰ می‌باشد و مقایسه آن با میزان خطای مجاز ۰/۰۵ با اطمینان ۹۵ درصد فرض H_0 آماری که دال به عدم وجود رابطه بین سرمایه اجتماعی و جامعه‌پذیری دانشگاهی است، رد می‌شود. یعنی سرمایه اجتماعی و جامعه‌پذیری دانشگاهی رابطه معناداری دارد، به یک معنا، هر چه سرمایه اجتماعی دانشجویان افزایش می‌یابد، میزان جامعه‌پذیری دانشگاهی آنها هم افزایش پیدا می‌کند. با توجه به مقدار و علامت ضریب همبستگی بدست آمده که برابر ۰/۲۳۹ می‌باشد که نشان دهنده شدت رابطه متوسط می‌باشد. نتایج جدول همچنین نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی با ابعاد جامعه‌پذیری دانشگاهی یعنی تعامل دانشجو با استاد، تعامل دانشجو با دانشجو، تشویق علمی همبستگی مثبت و معنی‌داری دارد ولی با ابعاد مشارکت در فعالیت‌های علمی و جو حمایتی پردیس‌ها رابطه معنی‌داری ندارد.

جدول شماره ۲: نتایج رابطه بین سرمایه روان‌شناختی و جامعه‌پذیری دانشگاهی و ابعاد آن

روابط	سطح معنی‌داری	ضریب همبستگی	تعداد مشاهدات
رابطه بین سرمایه روان‌شناختی و مشارکت در فعالیت‌های علمی	۰/۰۰۰	۰/۳۰۳	۳۶۰
رابطه بین سرمایه روان‌شناختی و تعامل دانشجو با استاد	۰/۰۰۰	۰/۲۹۹	۳۶۰
رابطه بین سرمایه روان‌شناختی و تعامل دانشجو با دانشجو	۰/۰۰۰	۰/۲۹۰	۳۶۰
رابطه بین سرمایه روان‌شناختی و تشویق علمی	۰/۰۰۴	۰/۱۵۵	۳۶۰
رابطه بین سرمایه روان‌شناختی و جو حمایتی پردیس‌ها	۰/۰۰۳	۰/۱۵۹	۳۶۰
رابطه بین سرمایه روان‌شناختی و جامعه‌پذیری دانشگاهی	۰/۰۰۰	۰/۳۷۱	۳۶۰

برای آزمون رابطه بین سرمایه روان‌شناختی و جامعه‌پذیری دانشگاهی از آزمون پیرسون استفاده شده است. با توجه به سطح معناداری بدست آمده از تحلیل داده‌ها که برابر ۰/۰۰۰ می‌باشد و مقایسه آن با میزان خطای مجاز ۰/۰۵ با اطمینان ۹۵ درصد فرض H_0 آماری که دال به عدم وجود رابطه بین سرمایه روان‌شناختی و جامعه‌پذیری دانشگاهی است، رد می‌شود. یعنی سرمایه روان‌شناختی و جامعه‌پذیری دانشگاهی رابطه معناداری دارد، به یک معنا، هر چه سرمایه روان‌شناختی دانشجویان افزایش می‌یابد، میزان جامعه‌پذیری دانشگاهی آنها هم افزایش پیدا می‌کند. با توجه به مقدار و علامت ضریب همبستگی بدست آمده که برابر با ۰/۳۷۱ می‌باشد که نشان دهنده شدت رابطه متوسط می‌باشد. نتایج جدول همچنین نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی با ابعاد جامعه‌پذیری دانشگاهی یعنی مشارکت در فعالیت‌های علمی، تعامل دانشجویان با استاد، تعامل دانشجویان با دانشجو، تشویق علمی و جو حمایتی پردیس‌ها رابطه مثبت و معنی‌داری دارد.

آزمون همبستگی بین متغیرهای (سن، معدل) و جامعه‌پذیری دانشگاهی و ابعاد آن

از آزمون r پیرسون برای بررسی رابطه سن و جامعه‌پذیری دانشگاهی و ابعاد آن استفاده گردیده و نتایج حاصل از این آزمون بیانگر این است که سن با اشتراک دانش رابطه مثبت و معنی‌داری دارد. ضریب همبستگی ۰/۱۱۷ می‌باشد که در واقع در سطح ضعیف می‌باشد. این بدان معنی است که با بالا رفتن سن دانشجویان میزان اشتراک دانش آن‌ها نیز افزایش می‌یابد. - یافته‌های حاصل از آزمون همبستگی نشان می‌دهد که سن با ابعاد اشتراک دانش اعم از تسهیم دانش و تجربه و نگرش به تسهیم دانش و تجربه رابطه مثبت و معنی‌داری دارد.

- آزمون ضریب همبستگی پیرسون حاکی از این است که معدل و اشتراک دانش و همچنین ابعاد تسهیم دانش و تجربه، قصد و کنترل رفتاری در تسهیم دانش و تجربه رابطه مثبت و معنی‌داری دارند.

برای آزمون رابطه بین سن و جامعه‌پذیری و ابعاد آن از آزمون r پیرسون استفاده شده است. طبق نتایج جدول سن با جامعه‌پذیری دانشگاهی رابطه مثبت و معنی‌داری دارد. ضریب همبستگی به دست آمده ۰/۱۳۰ می‌باشد که در سطح ضعیف می‌باشد. یعنی با بالا رفتن سن دانشجویان میزان جامعه‌پذیری دانشگاهی آنها نیز افزایش می‌یابد.

- نتایج آزمون همبستگی حاکی از این است که سن با ابعاد جامعه‌پذیری دانشگاهی یعنی مشارکت در فعالیت علمی، تعامل دانشجویان با استاد، تشویق علمی و جو حمایتی پردیس‌ها همبستگی مثبت و معنی‌داری دارد ولی با بعد تعامل دانشجویان با دانشجو رابطه‌ای ندارد.

- آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که بین معدل و جامعه‌پذیری دانشگاهی همبستگی معنی‌داری وجود ندارد. متغیر معدل با ابعاد تعامل دانشجویان با دانشجو و تشویق علمی همبستگی مثبت و معنی‌داری دارد و با سایر ابعاد رابطه ندارد.

جدول شماره ۳: نتایج آزمون ضریب همبستگی روابط بین جامعه‌پذیری دانشگاهی، سن و معدل

متغیرها	جامعه‌پذیری دانشگاهی	مشارکت در فعالیت علمی	تعامل دانشجویان با استاد	تعامل دانشجویان با دانشجو	تشویق علمی	جو حمایتی پردیس‌ها
ضریب همبستگی	۰/۱۳۰	۰/۱۵۶	۰/۱۰۶	۰/۰۴۶	۰/۱۰۷	۰/۱۶۴
سطح معنی‌داری	۰/۰۱۴	۰/۰۰۳	۰/۰۴۵	۰/۳۸۷	۰/۰۴۴	۰/۰۰۲
ضریب همبستگی	۰/۰۸۱	۰/۰۳۹	۰/۰۸۹	۰/۱۳۰	۰/۱۳۱	۰/۰۷۳
سطح معنی‌داری	۰/۱۳۰	۰/۴۷۰	۰/۰۹۶	۰/۰۱۵	۰/۰۱۵	۰/۱۷۳

رگرسیون چند متغیره به پیش‌بینی و تبیین واریانس متغیر وابسته (جامعه‌پذیری دانشگاهی) می‌پردازد. در واقع معنی‌داری F حاکی از این است که دست کم یکی از متغیرهای وارد شده در مدل رگرسیونی رابطه معناداری با متغیر وابسته دارد. یکی از پیش فرض‌های تحلیل رگرسیون استقلال باقیمانده‌ها از یکدیگر می‌باشد که مقدار آماره دوربین واتسون (۱/۷۰)

نشان‌دهنده مستقل بودن باقیمانده از همدیگر می‌باشد. پیش‌فرض مربوط به خطی بودن متغیرها از طریق آزمون آنالیز واریانس بررسی می‌شود که سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ نشان دهنده رابطه خطی می‌باشد. برای تعیین سهم تاثیرگذاری نسبی متغیرهای مستقل بر اشتراک دانش از تحلیل رگرسیونی چند متغیره با روش گام به گام استفاده شد. از بین متغیرهای مستقل، متغیرهای سرمایه روان‌شناختی و معدل وارد معادله شدند، که در مجموع ۲۰ درصد از تغییرات مربوط به جامعه‌پذیری دانشگاهی را تبیین می‌کنند.

جدول شماره ۴: نتایج آزمون رگرسیون چند متغیره تعیین‌گرهای جامعه‌پذیری دانشگاهی

دوربین واتسون ۱/۷۰		$R^2 = ۰/۲۰$ تصحیح شده		$R^2 = ۰/۲۱$		$۰/۴۱ =$ همبستگی چندگانه	
منبع تغییرات		مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معنی‌داری	
رگرسیون		۷۱۳۵/۶۰۲	۲	۳۵۶۷/۸۰۱			
باقی مانده		۴۱۷۱۶/۴۵۲	۳۳۴	۱۲۴/۹۰۰	۲۸/۵۶۵	۰/۰۰۰	
کل		۴۸۸۵۲/۰۵۳	۳۳۶				

جدول شماره ۵: ضرایب بتای متغیرهای مربوط به مدل رگرسیونی جامعه‌پذیری دانشگاهی

متغیرها	B	خطای معیار	Beta	t	سطح معنی‌داری
سرمایه روان‌شناختی	۰/۲۲۳	۸/۷۴	۰/۳۶۵	۷/۲۱۵	۰/۰۰۰
معدل	۱/۰۳۷	۰/۴۷۳	۰/۱۱۱	۲/۱۹۲	۰/۰۳۹

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف مطالعه ارتباط بین سرمایه اجتماعی و روان‌شناختی با جامعه‌پذیری دانشگاهی در بین دانشجویان دانشگاه فرهنگیان استان آذربایجان شرقی انجام گردیده است. یافته‌های تحقیق نشان داد که سرمایه اجتماعی با جامعه‌پذیری دانشگاهی همبستگی مثبت و معنی‌داری دارد. هرچه میزان سرمایه اجتماعی دانشجویان افزایش می‌یابد به همان اندازه میزان جامعه‌پذیری دانشگاهی آنها هم افزایش می‌یابد. نظریه مناسک تعاملی کالینز موید این یافته می‌باشد که از دیدگاه او «رخدادهای مرسوم در زندگی روزمره، با شعار مذهبی مورد نظر دورکیم از لحاظ نوعی یکسان و مشابه هستند». در جامعه علمی افراد یک موضوع یا عمل مشابه را مورد توجه قرار می‌دهند و هریک از آنها از اینکه دیگری نیز همین فضای توجه را حفظ می‌کند، آگاه است. آنها حس عضویت در یک گروه و نسبت به همدیگر تعهدات اخلاقی دارند. آنها هر چیزی را که در طول عمل متقابل خود بر آن تمرکز کرده بودند، نماد رابطه‌شان می‌شود. به همین صورت، زمانی که از این نمادها در رفتار، بحث یا تفکر خود استفاده می‌کنند، عضویت گروهی خود را به یاد می‌آورند. افرادی که در مراسم و مناسک شرکت می‌کنند، به نسبت شدت کنش‌ها از انرژی احساسی سرشار می‌شوند. این یافته با نتایج مطالعات خوشنام (۱۴۰۱)، نیازی و شفائی مقدم (۱۳۹۸)، عباس‌زاده و همکاران (۱۳۹۷) و مهدیه و همکاران (۱۳۹۵) و مارتین آلکازار و همکاران (۲۰۱۹) همسو می‌باشد.

نتایج آزمون همبستگی در رابطه با سرمایه روان‌شناختی و جامعه‌پذیری دانشگاهی و ابعاد آن نشان داد که بین این متغیرها رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد. به این معنی که با افزایش سرمایه روان‌شناختی دانشجویان میزان جامعه‌پذیری دانشگاهی آنها هم افزایش می‌یابد. به نظر می‌رسد که هرچه میزان خودکارآمدی و خود ارزشمندی دانشجویان در تعاملات دانشگاهی بیشتر شود به همان اندازه می‌تواند در فعالیت‌های علمی مشارکت داشته باشد و به عبارت دیگر، سرمایه روان‌شناختی دانشجویان تبیین‌کننده میزان تعامل آنها با همکلاسان، هم اتاقی‌ها و استادان و اجتماع علمی می‌باشد.

به باور این اندیشمندان، سرمایه روان‌شناختی دارای توانایی بالقوه‌ای برای تسهیل فرآیند جامعه‌پذیری است؛ چرا که افراد مثبت‌گرا دارای سرمایه روان‌شناختی به تغییر با دید مثبتی می‌نگرند و آن را یک مانع نمی‌دانند، بلکه به عنوان یک چالش با آن برخورد می‌کنند. این افراد به دلیل امید و خودکارآمدی که دارند، هرگز در برابر ناملازمات تسلیم نمی‌شوند، اینان از تجربیات گذشته خود کمک می‌گیرند و مسیر جامعه‌پذیری و پذیرفتن تغییر را سریع‌تر و با تجربه بیشتر طی می‌کنند و بعد از برخورد با مانعی سریعاً بر خود مسلط شده و کمتر وقت و انرژی خود را هدر می‌دهد. این یافته با نتایج مطالعه فرهادی و همکاران (۱۳۹۵) همسو می‌باشد.

نتایج حاصل از یافته‌های آزمون‌های آماری نشان داد که جامعه‌پذیری دانشگاهی با متغیر سن همبستگی معنی‌دار و مثبت دارد ولی با متغیر معدل رابطه‌ای ندارد. البته معدل با دو بعد جامعه‌پذیری دانشگاهی یعنی تعامل دانشجو با دانشجو و تشویق علمی همبستگی مثبت و معنی‌داری دارد. به نظر می‌رسد که دانشجویان معلمانی که کارایی بهتری در فرآیندهای علمی و پژوهشی دارند، اعتماد به نفس بیشتری دارند و بهتر می‌توانند با دانشجویان دیگر ارتباط و تعامل موثر داشته باشند و همین امر از سوی دیگر موجبات تشویق‌ها و پاداش‌های معنوی و مادی را برای دانشجو فراهم می‌آورد. این یافته با نتایج مطالعه رشتیانی و همکاران (۱۳۹۷) همسو می‌باشد که در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند با افزایش سن، میزان جامعه‌پذیری دانشگاهی افزایش می‌یابد. سرانجام می‌توان گفت که با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر، برای تقویت و بهبود جامعه‌پذیری دانشگاهی پیشنهاد می‌شود:

۱. با توجه به ارتباط بین سرمایه اجتماعی و جامعه‌پذیری دانشگاهی، پیشنهاد می‌شود که مسئولان دانشگاه با برگزاری رویدادهای علمی و فرهنگی و اجتماعی در جهت مشارکت دانشجویان اقدام نمایند.
 ۲. مسئولان دانشگاه می‌بایست زیرساخت‌های لازم برای مشارکت علمی دانشجویان در طرح‌های پژوهشی فراهم سازند.
 ۳. مسئولان دانشگاه می‌توانند ساز و کارهای تشویق و پاداش‌های مادی و معنوی را در جهت ارتقاء و بهبود جامعه‌پذیری دانشگاهی عملیاتی کنند.
- «این پژوهش با حمایت مالی دانشگاه فرهنگیان به شماره قرارداد ۵۰۱۰۰/۸۶/۲۱۰ انجام گردیده است.»

منابع

- بون ویتز، پ. (۲۰۰۵). **درس‌هایی از جامعه‌شناسی پیربوردیو**، ترجمه جهانگیر جهانگیری و حسن پورسفیر، تهران: انتشارات آگه.
- خوشنام، م. (۱۴۰۱). تحلیل آسیب شناسانه از جامعه‌پذیری دانشگاهی دانشجویان دکتری، **مطالعات جامعه‌شناختی**، ۳۰(۱): ۷-۲۵.
- دعایی، ح؛ فرزانه حسن‌زاده، ژ. (۱۳۹۱). نقش تعدیل‌کنندگی سنوات کاری بر رابطه بین سرمایه روان‌شناختی و جامعه‌پذیری افراد، **چشم‌انداز مدیریت دولتی**، ۳(۲): ۵۵-۷۲.
- رشتیانی، س؛ رحیمیان، ح؛ عباس‌پور، ع. (۱۳۹۷). رابطه جامعه‌پذیری دانشگاهی و مشارکت اجتماعی در بین دانشجویان جوان دانشگاه تهران، **نشریه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان**، ۱۷(۳۹): ۱۰۱-۱۲۰.
- شائمی برزکی، ع؛ اصغری، ژ. (۱۳۸۹). رابطه جامعه‌پذیری سازمانی و تعهد سازمانی در شرکت گاز استان کردستان، **پژوهشنامه مدیریت تحول**، ۲(۳): ۱۰۹-۱۲۹.
- فاتحی، ا؛ اخلاصی، ا. (۱۳۹۱). عوامل موثر بر سرمایه اجتماعی، **فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی**، ۱۴: ۱۴۸-۱۸۵.
- قانع‌راد، م.؛ ابراهیم آبادی، ح. (۱۳۸۹). تاثیر ساختار اجتماعی آموزش بر عملکرد دانشجویان، **فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران**، ۲(۴): ۴۲.
- فرهادی، ع؛ ساکی، ک؛ قدم‌پور، ع؛ خلیلی گشنیگانی، ز.؛ چهری، پ. (۱۳۹۵). پیش‌بینی ابعاد درگیری تحصیلی براساس مولفه‌های سرمایه روان‌شناختی دانشجویان، **دو ماهنامه راهبردهای آموزش در علوم پزشکی**، ۹(۲): ۱۲۷-۱۳۵.
- عباس‌زاده، م؛ بنی‌فاطمه، ح؛ علیزاده‌اقدام، م. ب؛ بوداکی، ع. (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین فرآیند جامعه‌پذیری دانشگاهی با پایداری به اخلاق پژوهش، **نشریه جامعه‌شناسی کاربردی**، ۲۹(۱): ۶۳-۸۶.

عباس‌زاده، م.، مقتدایی، ل. (۱۳۸۸). بررسی جامعه‌شناختی تأثیر سرمایه اجتماعی بر دانش آفرینی، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۱۰(۱): ۲۸-۳.

عباس‌زاده، م.، میرزایی، م. (۱۳۹۴). مطالعه نقش مداخله‌گرایانه سرمایه اجتماعی و سرمایه روان‌شناختی در تأثیرگذاری فرآیند جامعه‌پذیری بر دینداری، *دو فصلنامه دین و ارتباطات*، ۲۲(۲): ۸۷-۱۲۲.

مهديه، ع.، همتی، ر.، و دادھیر، ا. (۱۳۹۵). فرآیند جامعه‌پذیری دانشگاهی دانشجویان دکتری، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۲۲(۱): ۴۵-۷۳.

نظرمنصوری، ع.؛ یزدخواستی، ب.؛ همتی، ر. (۱۴۰۰). تحلیلی بر عوامل موثر بر جامعه‌پذیری دانشگاهی دانشجویان تحصیلات تکمیلی، *راهبرد فرهنگ*، ۵۳: ۱۱۳-۱۵۴.

نیازی، م.؛ شفاei مقدم، ا. (۱۳۹۸). تبیین رابطه جامعه‌پذیری علمی و شکل‌گیری هویت دانشجویی، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۲۵(۴): ۵۳-۷۲.

یوسفی‌اقدم، ر.؛ امین‌مظفری، ف. (۱۳۸۸). عوامل موثر بر جامعه‌پذیری دانشجویان دکتری با نقش محقق (مطالعه موردی دانشجویان دکتری دانشگاه تبریز)، *فصلنامه سیاست علم، فناوری*، ۲(۳): ۱۷-۳۲.

Austin, E. Ann (2002); "Preparing the Next Generation of Faculty: Graduate School as Socialization to the Academic Career"; **The Journal of Higher Education**, 33(1); 94-122.

Al Murshidi, G (2014). Doctoral student's socialization in their academic disciplines. **International Journal of business and social science**. 5(6).

Behar Horenstein, Linda S; Isaac Gcscored, Nadine, Southwell, Charisse, Hudson- Vassell, Michael E, Niu, Lian; Pratto Alachua, Melissa; Roberts, Kellie; Wingfield, Robert J; wolfgang, Jeff D. Zafar , Mueen A (2016). Promoting academic socialization through service learning experience, 28(2); 158-167.

Gopaul, Bryan (2011); "Distinction in Doctoral Education: Using Bourdieu's Tools to Assess the Socialization of Doctoral Students". **Equity & Excellence in Education**, 44(1); 10-21.

Humpheres, S. E.(2005)."English and social capital in American university in the Republic of Panama", ph.D. Dissertation, Department of Middle and Secondary Education in partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy, Spring Semester.

Martín-Alcázar, Fernando, Ruiz-Martinez, Marta & Sánchez-Gardey Gonzalo (2019). Social Capital and Academic Research Performance: A Conceptual Model Proposal, **International Journal of Business Administration**, 10(2); 22-33.

Seloni. Lisy (2012), Academic literacy socialization of first year doctoral students in US: A micro-ethnographic perspective, **English for Specific Purposes**, 31(1); 47-59.

Strambler, Michael J, Like, Lance H, Ward, Nadia (2013), Academic identification as a mediator of the relationship between parental socialization and academic achievement, **Contemporary Educational Psychology**, 38(1); 99-106.

Weidman, J.C., Twale, D.J., & Stein, E.L. (2001). Socialization of graduate and professional student in higher education. **ASHE-ERIC Higher Education Report**, 28(3), Jossey-bass Wiley Company San Francisco

The Study of Relationship between Social and Psychological Capital with Academic Socialization (Case of Study: Student Teachers of Farhangian University)

Sohrab Yazdani^{1*} 

1. Corresponding Author*, Department of Educational Administration, Faculty of Humanities, Farhangian University, Tehran, Iran, Email: s_yazdani@cfu.ac.ir

ARTICLE INFO	ABSTRACT
Article type: Research Paper Article History: Received: February 13, 2025 Accepted: July 20, 2025 Published: August, 2025 Keywords: Academic sociability, Social capital, Psychological capital, Farhangian University	Introduction: The aim of the present study is to study the relationship between social and psychological capital and academic sociability among student teachers of Farhangian University of East Azarbaijan Province Methodology: . The research method is descriptive-analytical, which was carried out with a quantitative and survey approach, and according to the type of implementation, it is in the category of applied research and correlational studies. The statistical population of this research includes all student teachers of Farhangian University of East Azarbaijan Province in the academic year of 1402-1403, in the number of 3990 people, and the sampling method was proportional stratified random, and the sample size using Cochran's formula was 360 people (147 female students and 213 male students) male student is estimated. Standard and researcher-made questionnaires were used to collect data. To analyze the collected data, Pearson's correlation test and multiple regression analysis were used in Spss software. Results: The findings of this research showed that there is a positive and significant correlation between social capital and academic sociability of student teachers of Farhangian University. The findings also showed that there is a positive and significant relationship between psychological capital and academic sociability. The results of statistical tests indicate that there is a direct correlation between age and academic sociability, but there is no relationship between GPA and academic sociability. Conclusion: In order to promote and improve the desired academic socialization, the university authorities should provide the necessary infrastructure for the participation of students in scientific and research processes and implement the mechanisms of encouragement and material and spiritual rewards in order to promote and improve the academic socialization.

Cite this article: Yazdani, S. (2024). A Study the relationship between social and psychological capital with academic socialization (Case of study: student teachers of Farhangian University). *Journal of Economic & Developmental Sociology*, 14 (1), 81-92.



© The Author(s). Publisher: University of Tabriz Press.



[10.22034/jeds.2025.65906.1853](https://doi.org/10.22034/jeds.2025.65906.1853)